

## سرمقاله



### عدالت اجتماعی از دیدگاه حضرت امام<sup>ره</sup>

استفاده همکاران و شادی روح آن بزرگ قرار گیرد.

عدالت اجتماعی به معنی ایجاد فرصت‌های مساوی برای افراد با شرایط مساوی، جهت استفاده از امکانات مختلف است. به عبارت دیگر افراد همگون و دارای هوش، استعداد، توان، سواد و لیاقت مشابه، امتیازات مشابه دریافت می‌کنند. در این دیدگاه کسب امتیاز بدون انجام کار مذموم است و سوءاستفاده از موقعیت اجتماعی در کسب امتیازات مادی و معنوی

سالروز چهاردهم و پانزدهم خرداد را که همراه با رحلت جانسوز رهبر کبیر انقلاب اسلامی و کشتار بیرحمانه مردم ایران بدست رژیم پهلوی است، خدمت تمامی عزیزان تسلیت عرض نموده و به منظور بزرگداشت این ایام جانگذار، چون هر سال به سوگ می‌نشینیم.

از آنجاکه خرداد را ماه امام و طرح اندیشه‌های آن بزرگ را در این ماه بر خود فرض می‌دانیم، به بررسی دیدگاه‌های ایشان در مورد عدالت اجتماعی می‌پردازیم. امید است که مورد

محکوم می‌باشد.

دیدگاه دیگر، عدالت اجتماعی را حق استفاده از حداقل امکانات معيشتی دانسته و دولت را ملزم به تأمین این حداقل برای مردم می‌داند. این دیدگاه تأمین حداقل خوراک، مسکن، آموزش، بهداشت و فرصتهای شغلی را حق مردم می‌داند و معتقد است برنامه‌ریزیهای دولت باید در جهت تأمین این حداقل باشد.

تعریف دیگر عدالت اجتماعی عبارت از کاهش اختلاف طبقاتی و توزیع عادلانه ثروت است. در این تعریف قطبی شدن جامعه و ایجاد اقلیتی متتفق و اکثریتی محروم محکوم است و عدالت در جهت بهم خوردن این شرایط تفسیر می‌شود.

عدالت اجتماعی در بعد قضایی به معنی مساوی بودن تمام مردم در مقابل قانون است. به عبارت دیگر موقعیت شغلی افراد مانع از برخورد قانون با آنها نمی‌شود و افراد مختلف با موقعیت‌های اجتماعی مختلف در برابر قانون یکسانند. این دیدگاه معتقد است که جرم مشابه دارای مجازات مشابه برای افراد، با موقعیت‌های گوناگون اجتماعی است. هم‌چنین این تعریف عدم اجرای قانون را در مورد صاحب منصبان جرم دانسته و فرار از قانون را مذموم می‌داند.

عدالت اجتماعی از اهداف و آرمانهای دین می‌بین اسلام و انقلاب مقدس اسلامی است. انقلاب اسلامی برای نجات مستضعفین از زیر بار سلطه و ظلم مستکبرین بوقوع پیوست و عدالت را در سرلوحه آرمانهای خود قرارداد. این انقلاب استضهاف فرهنگی و اقتصادی ایجاد شده توسط مستکبرین را هدف قرارداده و نابودی آن را همراه با ایجاد عدالت اسلامی دنبال می‌نماید.

در اندیشه انقلاب اسلامی، عدالت اجتماعی به منظور رشد و تعالی انسان و خداگونه شدن افراد ضروری است و ابزارهای مادی در جهت تکامل معنوی بشر و حرکت بسوی الله بکار گرفته می‌شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مبنای ملی و خوبیهای شهادی انقلاب اسلامی است در اصول و بندوهای مختلفی، عدالت اجتماعية را مورد توجه قرار داده و دولت جمهوری اسلامی را موظف به تأمین آن می‌کند. در بندج اصل دوم قانون اساسی که ویژگی‌های نظام جمهوری اسلامی ایران تشريع می‌شود، چنین آمده است:

«نفی هر گونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.»

در این بند لازمه قسط و عدل را نفی ستم و سلطه، و ایجاد قسط و عدل را شاخصه جمهوری اسلامی ایران می‌داند.

در بند<sup>۹</sup> مربوط به اصل سوم قانون اساسی که وظایف دولت اسلامی را بیان می‌دارد، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه را به دولت توصیه می‌کند. در این بند به مهمترین عامل ضد عدالت یعنی تبعیض ناروا اشاره شده و از بین بردن آن را که طبیعتاً همراه با ایجاد عدالت است، از وظایف دولت اسلامی می‌داند. در این زمینه هم چنین دولت اسلامی را موظف به ایجاد امکانات عادلانه برای افراد مشابه می‌نماید و از این طریق علاوه بر ایجاد عدالت اجتماعی، زمینه رشد و توسعه همه جانبی کشور را فراهم می‌آورد.

دولتی بوجود بباید که با همه قشرها به عدالت رفتار کند و امتیاز بین قشرها را ندهد مگر به امتیازات انسانی که خود آنها دارند».<sup>۲</sup>

در این دو جمله، حضرت امام خمینی به سلامت جامعه و رفاه عمومی اشاره دارد و اعطای امتیاز توسط دولت را فقط بر مبنای صلاحیتهای مردم و نه هیچ عامل دیگری، صحیح می‌دانند. با توجه به این گفته، حضرت امام امتیازات طبقاتی و اجتماعی را مردود دانسته و ایجاد رفاه، سلامت و تأمین بهداشت و درمان را برای مردم از وظایف دولت اسلامی می‌دانند.

حضرت امام هدف بعثت انبیاء را اقامه عدل و خدمت به مظلومان و ستمدیدگان دانسته و می‌فرمایند:

«اساساً انبیای خدا، صلوات الله و سلام عليهم، مبعوث شدند برای خدمت به بندگان خدا، خدمتهاي معنوی و ارشادی و اخراج بشر از ظلمات به نور و خدمت به مظلومان و ستمدیدگان و اقامه عدل، عدل فردی و اجتماعی». <sup>۳</sup>

بر مبنای دیدگاه حضرت امام در صورتیکه دولت موفق به اجرای عدالت اجتماعی و فردی نشود و مظلومان و ستمدیدگان را مورد حمایت مادی و معنوی خود قرار ندهد و ظلم و ستم رفته بر آنان را بر طرف نسازد دولتی اسلامی و الهی نیست و در جهت اهداف پیامبران خدا حرکت نکرده است.

حضرت امام در جهت تحقق عدالت اجتماعی تبعیض‌های اجتماعی را محکوم می‌کند و آن را ضد اسلام و عدالت دانسته و از بین بردن تبعیض را وظیفه دولت اسلامی می‌داند. ایشان در این زمینه می‌گوید:

«اسلام بزرگ تمام تبعیض‌ها را محکوم

در بند ۱۲، از اصل سوم قانون اساسی، ایجاد رفاه و رفع فقر و محرومیت از وظایف دولت اسلامی شمرده شده است. در این اصل در واقع به مهمترین بعد عدالت اجتماعی اشاره شده و تأمین حداقل رفاه و رفع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار و بهداشت مورد تأکید قرار گرفته است.

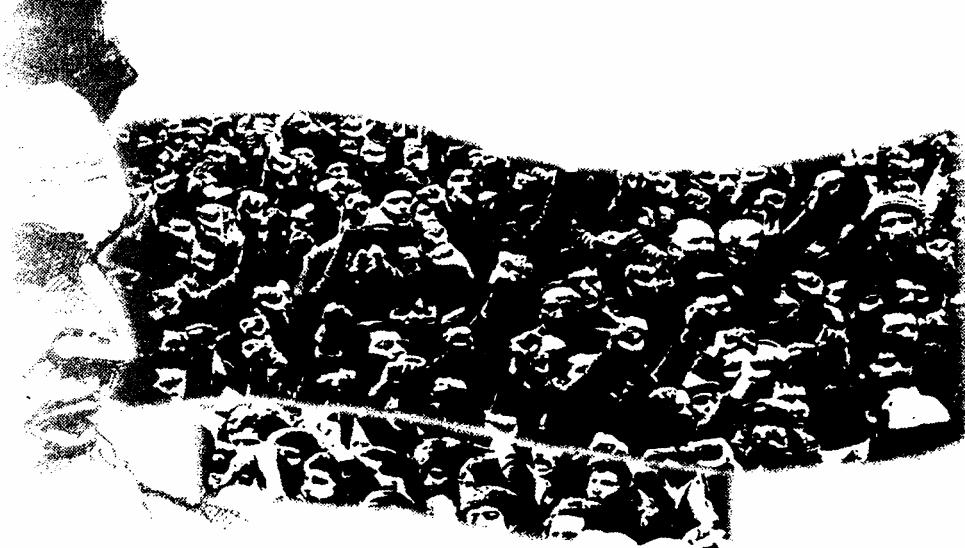
در بند ۱۴، از اصل سوم قانون اساسی به بعد دیگری از عدالت اجتماعی که همان امنیت قضایی و تساوی مردم در برابر قانون است اشاره می‌شود. در این زمینه بطور غیر مستقیم دولت را از تافقه جدا بافته شدن، برحدار می‌دارد و از او می‌خواهد که نه تنها خود، بلکه تمام مردم را در مقابل قانون یکسان ببیند.

واقعیت این است که روح حاکم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران روح عدالت خواهی است و این مفهوم در اکثر بندها و اصول آن به چشم می‌خورد که با بررسی و دقت بیشتر به راحتی می‌توان آن را درک نمود.

حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، توجه ویژه‌ای به عدالت اجتماعی داشته و در زمانهای مختلف سخنان گوناگونی در این باب گفته‌اند. ایشان اسلام را دین نجات بخش بشریت دانسته و اجرای احکام آن را در جهت منافع انسان می‌دانند. حضرت امام در این زمینه می‌فرمایند:

«برنامه دولت اسلامی آن است که همه بشر به سعادت برسند و همه در کنار هم به طور سلامت و رفاه زندگی کنند». <sup>۴</sup>

ایشان هم چنین در جایی دیگر می‌گوید:  
«برنامه جمهوری اسلامی این است که یک



مبانی را متحقق بکنیم که تمام طوایف علی السواء باشند.<sup>۵</sup> حضرت امام در جایی دیگر در این مورد می فرمایند «حکومت اسلامی حکومتی است که در مقابل قانون متواضع باشد یعنی سر پیش قانون فرود بیاورد، قانون هر چه گفت قبول بکند، نه اینکه قانون برای مردم عادی باشد، قدر تمندها از قانون مستثنی باشند».<sup>۶</sup>

در جوامع مختلف طبقات و گروههای مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی دینی نیز وجود دارد. در صورتیکه در چنین جامعه‌ای دولت بدنبال عدالت اجتماعی باشد نه تنها باید گروههای مختلف فوق را مورد توجه قرار دهد، بلکه باید به اقلیتهای دینی نیز که معمولاً نسبت به آنها حساسیت ویژه‌ای وجود دارد، توجه نماید و آنان را در اجرای احکام خود آزاد بگذارد و امنیت اجتماعی آنان را نیز تأمین کند. اهمیت این موضوع در جوامع کنونی به حدی است که یکی از مصادیق حقوق بشر رعایت حقوق اقلیتها دینی است و جامعه بین‌الملل نسبت به رعایت این حق بسیار حساس است.

حضرت امام با توجه به اهمیت موضوع

نموده و برای هیچ گروهی ویژگی خاص قرار نداده و تفواوت تعهد اسلام تنها کرامت انسانهاست».<sup>۷</sup>

از جانب دیگر حضرت امام به مساوی بودن افراد در مقابل قانون اهتمام دارد و در این زمینه می فرمایند در حکومت رسول الله و علی بن ابی طالب که حکومت اصیل اسلام محقق شد حاکم ذرہ‌ای از قانون تخلف نمی‌کرد.

حضرت امام در اینجا به برخورد حضرت علی با قاضی منصب خود اشاره کرده می فرمایند در دادگاه به قاضی اجازه احترام به خود را نداد زیرا آن را ضد عدالت می‌دانست و زمانیکه قاضی در مقابل یک فرد عادی حکم برخلاف حضرت علی داد ایشان با تمام وجود آن را پذیرفت. حضرت امام با ذکر این داستان به اهمیت یکسانی افراد حتی بالاترین فرد جامعه یعنی خلیفه مسلمین در مقابل قانون اشاره کرده می فرمایند:

حکومت اسلامی همان است که صدر اسلام بوده است که همه طوایف در مقابل قانون علی السواء بودند. ما الان می خواهیم یک همچو

طبقه مستکبر از یک طرف و مستضعف و محروم از جانب دیگر می‌داند.

ایشان مستکبرین را طبقه‌ای می‌داند که خصلت استکباری و چپاولگری دارند و بندگان خوب خدا را تحریر می‌کنند، مستکبرین ملت را ضعیف می‌شمرند و به آنها تعددی و تجاوز می‌کنند. حضرت امام استکبار را یک بیماری روحی می‌دانند که نه فقط قدر تمدنان بلکه افراد دیگر نیز ممکن است به آن دچار شوند، ایشان در این مورد می‌فرمایند:

«اگر من به زیر دسته‌ای خود و لو چهار نفر باشد تعددی و تجاوز کردم و آنها را کوچک شمردم، بنده خدا را کوچک شمردم من مستکبرم و او مستضعف و مشمول همان مبنای است که مستکبرین و مستضعفین هستند.»<sup>۱۰</sup>

حضرت امام تعریفی که از مستضعف ارائه می‌دهند با طبقه ضعیف متفاوت است ایشان مستضعفین را کسانی می‌دانند که مورد ظلم، تعددی و تحریر مستکبرین واقع شده‌اند در حالیکه واقعاً ضعیف نیستند. هم چنین امام معتقد‌ند که مستضعفین کسانی هستند که قدرت ایمان دارند. به عبارت دیگر امام اعتقاد دارند که علیرغم ظلمی که بر مستضعفین رفته است و علیرغم تحریرهای زیاد، این طبقه هرگز ضعیف نبوده و توان انجام کارهای بزرگ دارد. ایشان اصولاً مستضعفین را متشاه حرکت اجتماعی و اسلامی دانسته و مستکبرین را فاقد چنین قدرتی می‌داند. ایشان در این مورد چنین می‌گوید:

«ضعفا نه، مستضعفین یعنی آنهایی که قدرت دارند، قدرت ایمان دارند، آنها مرا حساب می‌کنند مستضعف و ضعیف، نه اینکه شما ضعیفید، شما قدرت ایمان دارید، شما آن بودید

دیدگاه خود را در مورد رعایت حقوق اقلیتها دینی چنین بیان می‌دارند:

«ما عدالت اسلامی را می‌خواهیم در این مملکت برقرار کنیم. اسلامی که راضی نمی‌شود حتی به یک زن یهودی که در پناه اسلام است تعدی شود. اسلامی که حضرت امیر سلام الله علیه، می‌فرماید برای ما چنانچه بمیریم، ملامتی نیست که لشکر مخالف آمده است و با فلان زن یهودی که ملحد بوده است خلخال را از پایش در آورده است». <sup>۷</sup>

حضرت امام بی‌عدالتی را از مختصات حکومت طاغوت دانسته و حذف این ویژگی را در حکومت اسلامی ضروری می‌دانند. ایشان می‌فرمایند «در جمهوری اسلامی ظلم نیست ... نمی‌تواند طبقه غنی بر طبقه فقیر زور بگوید. نمی‌تواند استثمار بکند، نمی‌تواند آنها را با اجر کم و ادار به عملهای زیاد بکند». <sup>۸</sup>

دیدگاه‌های جامعه شناسی رایج مقاوت است در دیدگاه مارکسیستی طبقات اجتماعی را به سه طبقه بورژوا(طبقه استثمارگر)، پرولتر(طبقه استثمار شونده) و خردی بورژوا(طبقه میانی) تقسیم می‌کنند. تعاریف غیر مارکسیستی طبقات اجتماعی را بر مبنای کاری که انجام می‌دهند مثل کارگران، کشاورزان، کسبه، فرهنگیان و ... یا درآمد و ثروت، تفوق استعدادها و اثبات شخصیت‌ها، انحصار موقعیت‌ها و دسترسی به اموال، وظایف و سبک زندگی تقسیم‌بندی می‌نمایند.<sup>۹</sup>

نگاه امام به طبقات اجتماعی بطور کلی با این دیدگاهها مقاوت است. ایشان از منظری دیگر به موضوع پرداخته و بطور کلی جامعه را شامل

مشغول به فدارکاری هستند». ۱۱

در مورد حمایت مستضعفین از انقلاب حضرت امام می‌گویند در صورتیکه شهدای انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم متوجه می‌شویم که هیچکدام از آنها از طبقات بالای جامعه نبوده و هر چه هست از قشر پائین است. ایشان در این مورد می‌فرمایند: «فقراء متدينین بی‌بضاعت، گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلاب‌ها هستند». ۱۲ امام خود متعهد به عدالت اجتماعی بود و عملکردش در سالهای قبل و پس از تولد او پیروزی انقلاب اسلامی، این مفهوم را بخوبی نمایان می‌ساخت. افکار او در زمینه عدالت اجتماعی که برگرفته از اسلام ناب محمدی بود، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبلور یافت و مترقبی ترین قانون اساسی جهان را شکل داد و از این طریق سندی جاودانه و افتخارآمیز برای مسلمین و جهان اسلام به یادگار گذاشت.

دکتر سید محمد صدر

#### زیرنویس‌ها:

- ۱- اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی، دفتر پنجم، چاپ دوم، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، تهران، ص ۱۳۷۴ سال ۱۰۲
- ۲- همان ص ۱۰۳
- ۳- همان، ص ۱۰۴
- ۴- همان، ص ۱۰۴
- ۵- همان، ص ۱۰۵
- ۶- همان، ص ۱۰۷
- ۷- همان، ص ۱۰۵
- ۸- همان، ص ۱۰۶
- ۹- کورویچزر، مطالعه درباره طبقات اجتماعی، ترجمه باقر پرهاشم، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران، ص ۱۰۶ سال ۱۳۵۲
- ۱۰- اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی، دفتر پنجم، چاپ دوم، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، تهران، ص ۱۳۷۴- ۲۹۷
- ۱۱- همان، ص ۳۹۲
- ۱۲- همان، ص ۳۹۲

که یک همچو قدرتی را عقب زدید و به جهنم فرستادید، قدرت ایمان در شماست و حس شهادت خواهی که جوانها مکرر این معنا را می‌خواهند». ۱۰

حضرت امام یک رابطه مقابل حمایتی مابین اسلام و مستضعفین از یک طرف و رابطه تخاصمی مابین اسلام و مستکبرین از جانب دیگر قائلند و اعتقاد دارند که این رابطه از صدر اسلام تا کنون وجود داشته و تا همیشه تاریخ ادامه خواهد داشت.

ایشان در این زمینه می‌فرمایند.

«اسلام برای همه است. اسلام از توده پیدا شده است و برای توده کار می‌کند، اسلام از طبقه بالا پیدا نشده است. پیغمبر اکرم(ص) از همین جمعیت پائین بود. از همین بین جمعیت پاشد و قیام کرد. اصحاب او از همین مردم پائین بودند، از این طبقه سوم بودند، آن طبقه بالا مخالفین پیغمبر اکرم(ص) بودند». ۱۱

و در جای دیگر:

«اسلام از اول برای همین امر قیام کرده است که به این مستمندان عالم در مقابل ستمگران خدمت کند و این ستمگران را به جای خود بنشاند. ۱۲

در مورد حمایت مستضعفین از انقلاب اسلامی و فدارکاری‌های آنان جهت به ثمر رسیدن این انقلاب حضرت امام خمینی چنین می‌فرماید: «مستمندان و فقراء و دورافتاده‌ها در صفحه مقدم جامعه هستند و همین‌ها و همین زاغه نشینان و همین حاشیه‌نشینان و همین محرومین بودند که این انقلاب را به ثمر رسانند. اینها بودند که از همه چیز خودشان در راه اسلام عزیز در رژیم سابق گذشتند. همین‌ها هستند که الان در جبهه‌ها